

ساخت مقیاس تجربه معنوی دانشجویان

دکتر باقر غباری بناب*، دکتر مسعود غلامعلی لواسانی*

دکتر محمدرضا محمدی**

چکیده

پژوهشگران درصدد تهیه ابزاری معتبر جهت سنجش و اندازه گیری تجربیات معنوی، مذهبی و عرفانی جوانان بودند. اندازه گیری تجربیات معنوی، امکان بررسی ارتباط بین معنایی، سلامت روان و تجربیات معنوی را در گروه‌های مختلف بویژه جوانان فراهم می‌سازد. با داشتن چنین مقیاسی امکان بررسی اثرات مداخله‌های درمانی برای افزایش و تسهیل تجربیات معنوی فراهم می‌گردد. پژوهشگران پس از مطالعه آثار صاحب نظران در عرفان اسلامی و غربی از قبیل آثار جلال الدین رومی، محی‌الدین ابن عربی، رادلف آتو، و مطالعه آیات و احادیث و بررسی تفاسیر عرفانی، و آثار روانشناسانی مانند یونگ، جیمز، اریش فروم، و ویکتور فرانکل به تهیه چارچوب نظری در مورد تجارب معنوی دست یافتند. پس از این کوشش‌های اولیه، مصاحبه‌های ساختاری با دانشجویان و استفاده از پرسشنامه‌های موجود درباره معنویت برای تهیه نسخه اولیه پرسشنامه با ۱۰۲ ماده، اقدام به عمل آمد. این مقیاس بر روی ۳۳۱ نفر از دانشجویان دوره کاردانی و کارشناسی (۱۵۵ پسر و ۱۷۶ دختر) اجرا گردید. ابتدا برای تعیین اعتبار درونی و یا توان تمیز سؤال‌ها از دو روش ضریب همبستگی هر سؤال با نمره کل مقوله و تقسیم افراد به دو گروه ۲۷ درصد بالا و پایین و مقایسه آنها در پاسخدهی به هر سؤال استفاده شد. بر این اساس تعداد ۲۷ سؤال، نامناسب تشخیص داده شد و حذف گردید. سپس تحلیل عوامل بر روی ۷۵ ماده مقیاس

اجرا شد. در تحلیل عاملی اولیه، ۱۹ عامل با ارزش ویژه بالاتر از ۱ بدست آمد. اما بر اساس ارزش ویژه بالاتر از ۲ و نمودار شیب‌دار، ۶ عامل انتخاب شدند و تحلیل عوامل بعدی با محدود شدن به این ۶ عامل، صورت گرفت. براساس محتوای ماده‌های مربوط، ۶ عامل به این صورت نام‌گذاری شدند: «احساس رضایت و معنایابی»، «تأثیر ارتباط با خدا در زندگی»، «شکوفایی و فعالیت معنوی»، «تجارب متعالی عرفانی»، «تجارب سلبی» و «فعالتهای اجتماعی مذهبی».

کلید واژه‌ها: مقیاس سازی، تجربه معنوی، اعتقادات و باورها، ارتباط با خدا، قابلیت اعتماد و اعتبار مقیاس.



مقدمه

«معنویت»^۱ و مطالعه آن در گروه‌های مختلف، و بررسی رابطه معنویت با ویژگی‌های شخصیتی، روانی و محیط‌های تربیتی در سالهای اخیر مورد توجه روانشناسان مذهب قرار گرفته است (هیل و هود، ۱۹۹۹)، روز به روز بر گستره مطالعات معنویت افزوده می‌شود و ارتباط آن با سلامت روان سنجیده می‌شود. دانکیل - شتر و همکاران (۱۹۹۲)، تحقیقی را بر روی ۶۰۳ بیمار سرطانی که تحت درمان و مراقبت ویژه قرار داشتند مورد مطالعه قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که افراد دارای تجربیات معنوی و اعتقادات مذهبی با بیماری خود بهتر کنار آمده بودند و روش‌های مقابله در آنها قوی تر از گروه‌های دیگر بود. تحقیقات دیگری توسط پژوهشگران مختلف در جنبه‌های مختلف سلامت روانی و فیزیکی بین افرادی که از تجربیات معنوی برخوردار بودند و آنهایی که تجربیات بالایی نداشتند صورت گرفته است. این تحقیقات نشان داده اند که تجربیات معنوی در افزایش سلامتی مؤثر بوده است (کونینگ، مک کلاف و لارسن ۲۰۰۱). این تحقیقات به طور فزاینده‌ای در دنیا مخصوصاً جهان مسیحیت صورت می‌گیرند در حالیکه چالش‌های جدی در مورد این‌که معنویت چیست و ابعاد و نشانگان آن کدام است هنوز وجود دارد. قبل از اندازه‌گیری همبستگی معنویت با ویژگی‌های سلامت روان، لازم است که تعریف دقیقی از معنویت داده شود، بافت نظریه‌ای این تعریف مشخص شود، تعریف مفهومی به صورت عملیاتی درآید، ابعاد و روشهای اندازه‌گیری تجربیات معنوی مشخص شود، و اندازه‌های تجربیات معنوی در بافت فرهنگی و مذهبی و بومی کشور و منطقه مخصوصاً هنجاریابی شود. بدون این کوشش‌های جدی اعتماد به یافته‌های مختلف در این زمینه معتبر نخواهد بود.

کونینگ و همکارانش (۲۰۰۱)، معتقدند که معنویت عبارت است از جستجو برای فهم

جوابهایی که به بنیاد هستی و زندگی ارتباط پیدا می‌کنند، یافتن جوابهایی که در مورد معنای زندگی فردی سؤال می‌کنند، از همه مهم‌تر، ارتباط درونی با ماورای هستی و با خداوند متعال را دربر می‌گیرند. احتمال دارد که این نوع شخصیت معنوی در اثر تمرینات مذهبی تسهیل گردند. از تعریف فوق ما به چند نکته پی می‌بریم: سؤالات در رابطه با هستی و معناداری آن، فردی است و از درون فرد برمی‌خیزد. احتمال دارد که عوامل محیطی، این نوع شخصیت را پربارتر سازد و یا بر روی آن، پوشش بگذارد ولی اصل آن از درون فرد برمی‌خیزد و در ارتباط با عهد ازل است که هر فرد با خدای خویش بسته است. بی سبب نیست که یونگ (۱۹۳۳)، بر اصیل و درونی بودن این تجربیات پافشاری می‌کند و این تجربیات را اصیل‌ترین تجربیاتی می‌داند که در ذات هر انسانی نهفته است. به علاوه از تعریف فوق، برداشت می‌کنیم که این تجربیات بیشتر ذهنی می‌باشند و اندازه‌گیری آنها بسیار دشوار است. شاید یکی از علل دشواری در اندازه‌گیری تجربیات معنوی این باشد که آنها از عمیق‌ترین لایه‌های روانی انسان برمی‌خیزند و به قول یونگ آنها نزد مردمان ابتدایی که هنوز اشتغالات انسان متمدن امروزی را نداشتند، برجسته‌تر بودند. این تجربیات همچنین کمتر منظم و نظام‌دار هستند، کمتر آداب و ترتیب برمی‌دارند، بیشتر بستگی به دل آدمی دارند و درونی هستند. دامنه این تجربیات معنوی را ما در افراد مختلف می‌بینیم. ویلیام جیمز (۱۹۰۲)، در کتاب «تنوع تجربیات مذهبی» تعدادی از این تجربیات را به تفصیل نقل کرده است. معنویات در قدیم در بافت مذاهب بیان شده است. اساس مذاهب که بر ارتباط فرد با خدا، معناداری جهان، معاد، معناداری زندگی فردی است لب‌الب معنویت است. در حقیقت، معنویت جدا از مذهب، تاریخچه، بسیار کوتاهی دارد و از دهه ۱۹۶۰ است که معنویت، مفهومی جداگانه و شخصی پیدا کرده است و این امر به علت مقابله با مادی‌گری مطرح شده است (کونینگ و همکاران، ۲۰۰۱).

زمانی که عده‌ای احساس کردند که «دین» از معنویت و احساس درونی خود تهی شده است بحث «معنویت» را به میان کشیدند. بحث فعلی در معنویت از این بابت مبارک است که دین داری، مخصوصاً آن بُعد معنوی دین داری را بهتر به ما می‌شناساند به علاوه ریشه‌های اخلاقی و اشرافی و احساسی ادیان، در اثر مطالعات معنویت به عنوان یک سازه احتمالاً بهتر شناخته می‌شود. لذا ما نیز از مطالعه این موضوع استقبال می‌کنیم و امیدواریم که مطالعات معنویت به فهم عمیق ادیان الهی و نکات مشترک آنها بیشتر کمک کند.

در عین حال هدف اصلی پژوهش حاضر، ساخت مقیاسی برای سنجش تجربیات معنوی است. از همین رو در ساخت یک مقیاس، بایستی چارچوب آن مشخص شود و سازه مورد نظر

در بافت نظریه مشخصی بیان شود تا روشهای عملیاتی کردن آن مشخص شود، به علاوه روشهای استخراج گزاره‌ها از طریق مشاهده، مصاحبه با توجه به ابعاد نظریه مشخص شوند. سؤالات پس از استخراج به محک آزمایش زده شوند تا مشخص شود کدامیک از آنها تا چه اندازه تشخیص دهنده افراد قوی و ضعیف در آن زمینه است. به علاوه میزان همسانی هر سؤال با کل آزمون مشخص شود. در ساخت ابزار مورد نظر دو مرحله اساسی وجود داشته است که در زیر به مرحله نظری و «اکتشافی» اشاره می‌کنیم و مرحله دوم یا «تجربی» را در بخش یافته‌ها بحث خواهیم کرد. در این مرحله موقعیت‌هایی که در آنها رفتارهای مورد نظر فراخوانده می‌شوند و مجال بروز پیدا می‌کنند مشخص گردید. این مرحله خود در چند وهله صورت گرفت. در وهله اول، نظریه‌های موجود غربی در زمینه تجربیات معنوی مانند یونگ (۱۹۳۳)، ویلیام جیمز (۱۹۰۲) رادلف اوتو (۱۹۵۰ و ۱۹۷۶)، شلاپرماخر (۱۹۹۶)، و از شرقی‌ها، نظریه‌های ارائه شده توسط اهل تصوف و عرفان از قبیل محی‌الدین ابن عربی مورد ملاحظه و مذاقه قراگرفت تا ابعاد تجربیات معنوی شناسایی شود و روش‌های مناسب اندازه‌گیری این تجربیات مشخص شود. برای نمونه ابن عربی هر چند وحی را خاص اسلام می‌داند اما بیان می‌کند که بدن برای ما از جانب خدا تنها الهام است. وی از تجربه معنویت در قالب تجربه عرفانی و مقام حیرت سخن می‌گوید. از دیدگاه وی عارف، هستی واحد حق تعالی را در آینه اشیاء و حوادث مشاهده می‌کند و در همه کثرات، وحدت را می‌نگرد. ابن عربی در جای دیگر می‌گوید: عارف کامل خدا را در هر صورتی که بدن تجلی کند و در هر صورتی که بدن در آید، می‌شناسد و غیر عارف او را نمی‌شناسد، مگر در صورت معتقد خود (شیروانی، ۱۳۸۱). مطالعه این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که جریان تجارب عرفانی و معنوی در شرق و غرب بسیار به هم نزدیک است. اریک فروم (۱۹۷۰)، در مقدمه‌ای که بر کتاب «رومی فارسی: تولد دوباره خلاقیت و عشق» تألیف آراسته نوشته است بر تشابهات عرفان و معنویت شرق (مولوی) و غرب (مایستر اکهارت) تاکید کرده است. به هر حال این مرحله سخت‌ترین و وقت‌گیرترین مرحله بود که به استخراج نظریه مناسب انجامید.

در بررسی ابعاد نظری تجربیات معنوی و بر اساس دیدگاه دانشمندان اسلامی مانند غزالی، ملامحسن فیض کاشانی و ابن عربی، «احساس مینوی»^۴ یکی از ابعاد بسیار مهمی بود که کشف شد. در این بُعد، عارف هم خشیت را با تمام وجود حس می‌کند و هم امیدواری. داشتن بیم و امید «معنوی» و «مینوی» یکی از مهمترین این ابعاد به شمار می‌رود. «جنبه غیرعقلانی» انسان و احساس‌هایی که با مدار عقل حسابگر هیچ‌گونه ارتباطی ندارند، یکی از بُعدهای دیگر بود که در مورد تجربیات عرفانی و معنوی اکتشاف شد. این بُعد شاید یکی از ابعاد اساسی تجربیات معنوی

باشد که عمده‌ترین اختلاف را بین اهل تصوف و عرفان و فلاسفه برانگیخته است. بی‌سبب نیست که اهل شهود و عرفان نمی‌توانند استدلال‌های فلسفی را در دین بتابند و عقل استدلالی را در این راه قاصر می‌دانند.

بررسی‌های ما همچنین نشان داد که تجربیات معنوی از نوع تجربیات این جهانی نیستند ولی تجربه‌کننده ناچار می‌بیند که تجربه خود را از طریق تشبیه به تجربیات این جهانی برای شنوندگان خود قابل فهم کند و به همین جهت از زبان تمثیل، استعاره، و تشبیه و نماد استفاده می‌کنند. این جنبه نمادی و رمزی، شاید قوی‌ترین بُعد در ارتباط تجربیات معنوی و این جهانی باشد. فقط نمادین بحث کردن است که موجب شده است تجربیات دست اول عرفا و اهل تصوف در قالب اصیل و معنی دار خود بماند و در عین حال تاحدی این تجربیات را به حالت تفهیم درآورد و بین افراد، این مفاهیم رمزی رد و بدل گردد. بهترین گواه تاریخی این نوع کدبندی‌ها، نوشته‌ها و اشعار نویسندگان و شعرای عارف ماست که نمونه‌های برجسته آن در آثار مولانا و حافظ دیده می‌شود.

بررسی‌ها، همچنین نشان داد که تجربیات معنوی، یک بُعد بسیار قوی دارد که آن فرارفتن از بُعد زمان و مکان است. افرادی که تجربیات عمیق معنوی داشته‌اند گزارش داده‌اند که در آن لحظه، زمان و مکان برای آنها معنی نداشته است. گذشت زمان را درک نمی‌کردند و از مکان فراتر می‌رفتند. با توجه به این مقدمات، امکان طرح و تدوین مقیاسی برای بررسی تجربیات معنوی آزمودنی‌ها فراهم شد که ویژگی‌های آن در بخش ابزار پژوهش و یافته‌ها بیان خواهد شد.

● روش

○ جامعه آماری در پژوهش حاضر دانشجویان دوره کارشناسی و کاردانی دانشگاه آزاد اسلامی شهر تهران می‌باشند. این دانشجویان از تهران و شهرستانهای مختلف در این دوره‌ها پذیرفته شده‌اند. پاسخهای این دانشجویان نسبت به مقیاس تجربیات معنوی می‌تواند نمایانگر پاسخهای افرادی باگرایش‌ها و زمینه‌های مختلف مذهبی و غیرمذهبی باشد.

○ نمونه و روش نمونه‌گیری: در این پژوهش، به صورت تصادفی نمونه‌ای به تعداد ۳۳۱ نفر (۱۵۵ نفر پسر و ۱۷۶ نفر دختر) انتخاب شدند. ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه به این قرار می‌باشند: از تعداد ۳۳۱ نفر، ۲۹۴ نفر مجرد و ۳۷ نفر متأهل بوده‌اند. از لحاظ ویژگی‌های مذهبی ۲۵ نفر اشاره کرده‌اند که خانواده‌شان اصلاً مذهبی نیستند؛ ۲۲۴ نفر تاحدی خانواده خود را مذهبی می‌دانند و ۸۰ نفر اشاره کرده‌اند که در خانواده کاملاً مذهبی بزرگ شده‌اند و ۲ نفر نیز به

این سؤال پاسخ نداده اند. میانگین سن آزمودنی‌های شرکت‌کننده در این نمونه ۲۱/۳۱ و انحراف معیار آنان ۱/۹۰ می‌باشد؛ از این عده، در حدود ۲۶۲ نفر در دوره کارشناسی و ۶۹ نفر در دوره کاردانی به تحصیل اشتغال دارند. اغلب این دانشجویان در مراکز استانها و شهرستانها متولد شده‌اند و فقط ۵ نفر گزارش داده‌اند که در روستا متولد شده‌اند.

○ ابزار پژوهش: بر مبنای اطلاعاتی که از وهله اول (بررسی پیشینه نظری) تجربیات معنوی بدست آمد، پژوهشگران به مصاحبه با دانشجویان و طلاب علوم دینی، جهت ساخت ابزار پرداختند. مجموعه این مصاحبه‌ها پایه‌های اولیه‌ای شدند که بر مبنای آنها امکان بررسی طبقات یافته شده از پیشینه فراهم آمد. اکثر مصاحبه‌ها با دانشجویان دانشگاه تهران انجام شده و تعدادی از طلاب علوم دینی نیز در این مصاحبه شرکت داشته‌اند. علاوه بر مصاحبه، از دانشجویان کارشناسی رشته مشاوره در دانشگاه تهران خواسته شد تا به سؤالات بازپاسخ در مورد تجربیاتی که داشته‌اند جواب دهند. تحلیل محتوایی پاسخهای آنها نیز در ساختن شکل اولیه پرسشنامه تجربیات مذهبی استفاده شد. مجموعه اطلاعاتی که از طریق مصاحبه، مطالعه پیشینه نظری، سؤالات بازپاسخ و شرح حال افراد با تجربه مذهبی بدست آمده بود، پس از خلاصه کردن و حذف موارد تکراری، مورد استفاده قرار گرفت. گزاره‌هایی که در وهله اول بدین ترتیب استخراج شدند در حدود ۱۵۰ گزاره بودند که پس از جرح و تعدیل‌های فراوان و دادن آنها به متخصصان مختلف، در حدود ۱۰۲ گزاره بر اساس مقیاس لیکرت باقی ماند که به صورت زیر طبقه‌بندی شدند: «باورها و نگرش‌های افراد»، «تجربیات احیاگر»، «تجربیات عرفانی»، «احساسات»، «فعالیت‌های اجتماعی - مذهبی»، و «هویت معنوی».

● یافته‌ها

برای بررسی «اعتبار» مقیاس ۱۰۲ ماده‌ای، ضریب آلفای کرونباخ به تفکیک مؤلفه‌های نظری مقیاس انجام شد که در جدول ۱ گزارش شده است. پرسشنامه دارای ۶ مؤلفه نظری به شرح زیر می‌باشد:

۱. مؤلفه باورها و نگرش‌های مذهبی (۳۵ ماده)
۲. مؤلفه تجربیات احیاگر (۱۲ ماده)
۳. مؤلفه تجربیات عرفانی (۳۲ ماده)
۴. مؤلفه احساسات (۸ ماده)
۵. مؤلفه فعالیت‌های اجتماعی - مذهبی (۱۰ ماده)
۶. مؤلفه هویت معنوی (۵ ماده)

بررسی همسانی درونی سؤالات هر مؤلفه نشان داد که مؤلفه‌های بدست آمده از همسانی درونی نسبتاً بالایی برخوردار می‌باشند. تعداد مواد، و ضریب آلفای هر کدام از مؤلفه‌های شش‌گانه در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱- ضریب آلفای کرونیخ مؤلفه‌های مقیاس تجربیات معنوی

مؤلفه	تعداد ماده	ضریب آلفا	تعداد افراد
باورها و نگرش‌های افراد	۳۵	۰/۹۳	۳۲۹
تجربیات احیاگر	۱۲	۰/۷۵	۲۶۰
تجربیات عرفانی	۳۲	۰/۸۲	۲۵۲
احساسات معنوی	۸	۰/۸۱	۲۸۵
فعالیت‌های اجتماعی - مذهبی	۱۰	۰/۶۶	۲۹۴
هویت معنوی	۵	۰/۷۱	۲۹۱

همانطور که ملاحظه می‌شود مؤلفه اول یا مؤلفه باورها و نگرش‌های افراد با ۳۵ ماده، بالاترین ضریب (۰/۹۳) و مؤلفه پنجم یا مؤلفه «فعالیت‌های اجتماعی»، کمترین ضریب (۰/۶۶) همسانی را به خود اختصاص داده است. لازم به ذکر است که تفاوت تعداد افراد در هر مؤلفه به دلیل عدم پاسخگویی افراد نمونه به سؤالات آن مؤلفه است. برای بررسی «روائی»^۷ مقیاس ۱۰۲ ماده‌ای با توجه به آنکه مقیاس از ۶ مؤلفه ترکیب شده است، نمره کل هر مؤلفه ساخته شد و سپس نمره کل مقیاس (۱۰۲ ماده) محاسبه شد. در نهایت ضرایب همبستگی مؤلفه‌ها با یکدیگر و نمره کل مقیاس بدست آمد.

جدول ۲- ماتریس همبستگی ۶ مؤلفه نظری مقیاس و نمره کل آزمون

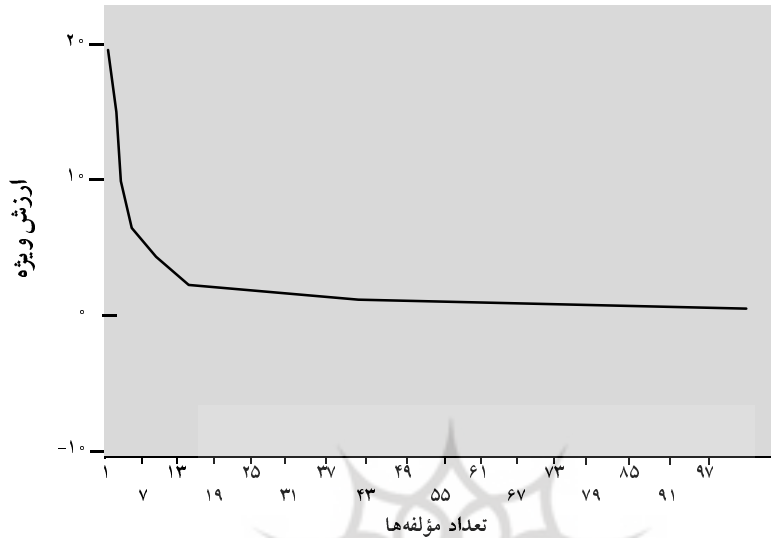
مؤلفه‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱- باورها و نگرش‌های افراد	—					
۲- تجربیات احیاگر	۰/۴۱**	—				
۳- تجربیات عرفانی	۰/۴۱**	۰/۴۱**	—			
۴- احساسات	۰/۷۰**	۰/۲۰**	۰/۲۲**	—		
۵- فعالیت‌های اجتماعی	۰/۳۴**	۰/۳۲**	۰/۲۹**	۰/۱۹**	—	
۶- هویت معنوی	۰/۶۰**	۰/۴۴**	۰/۳۸**	۰/۳۲**	۰/۴۸**	—
۷- نمره کل مقیاس	۰/۹۲**	۰/۵۸**	۰/۷۰**	۰/۶۷**	۰/۴۵**	۰/۶۹**

** p < ۰/۰۱

همانطور که جدول ۲ نشان می‌دهد کلیه همبستگی‌ها بین مؤلفه‌ها با یکدیگر و مؤلفه‌ها با نمره کل مقیاس در سطح $p < 0/01$ معنادار است. بیشترین همبستگی بین مؤلفه «باورها و نگرش‌ها» و نمره کل مقیاس ($r = 0/92$) و کمترین همبستگی بین دو مؤلفه «احساسات» و «فعالیت‌های اجتماعی» ($r = 0/19$) مشاهده می‌شود. در مجموع کلیه مؤلفه‌ها با نمره کل مقیاس ضرایب همبستگی بالا و درخور توجهی نشان می‌دهند. در مرحله بعد، پژوهشگران برای تعیین میزان «روایی درونی» یا توان تمیز سؤال‌ها از روش ضریب همبستگی هر سؤال با نمره کل مقوله و تقسیم افراد به دو گروه بالا و پایین در نمره کل مقوله بر اساس ملاک ۲۷ درصد سود جستند. براساس ضرایب همبستگی ماده‌ها با نمره کل هر مقوله و همینطور نمره کل آزمون تعداد ۳۸ ماده دارای ضرایب کمتر از ۰/۳۳ بودند. در روش دوم یا توان تمیز سؤال‌ها از مقایسه گروه‌های قوی و ضعیف استفاده شد، یعنی براساس ۲۷ درصد بالا و ۲۷ درصد پایین آزمودنی‌ها، ۴۶ درصد آن‌ها که نمرات متوسط داشتند، از تحلیل حذف شدند. آزمون t برای تفاوت میانگین‌های دو گروه در کلیه ماده‌های مقیاس به استثنای یک ماده در سطح $p < 0/001$ معنادار بود، اما در میان سؤال‌ها تعداد ۲۸ سؤال در دو گروه تفاوت میانگین کمتری را در مقایسه با سایر سؤال‌ها نشان داد. در آخر با توجه به دو روش به کار بسته شده تعداد ۲۷ سؤال از مقیاس حذف شد و تحلیل‌های بعدی بر روی ۷۵ ماده باقیمانده مقیاس اجرا شد. اجرای آزمون آلفای کرونباخ برای بررسی «اعتبار» بر ۷۵ ماده آزمون منجر به ضریب معادل ۰/۹۴۵ شد که ضریب بالا و درخور توجهی است.

تحلیل عوامل مقیاس ۷۵ ماده‌ای با روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس انجام شد. آزمون کفایت نمونه‌برداری نشان داد که نمونه مورد نظر برای تحلیل عوامل مناسب است ($KMO = 0/88$). همچنین آزمون کرویت بارتلت با درجه آزادی $df = 2775$ ، و مجذور کای تقریبی ($\chi^2 = 10924/37$) در سطح $p < 0/001$ معنی‌دار است، لذا می‌توان تحلیل عوامل را گزارش کرد. برای کاهش مواد پرسشنامه به عوامل معنادار ابتدا تحلیل عوامل باروش مؤلفه‌های اصلی بر روی ۷۵ ماده سؤال صورت پذیرفت که به ۱۹ عامل بارزش ویژه بالاتر از ۱ ختم شد. این ۱۹ عامل بر روی هم حدود ۶۵ درصد واریانس مقیاس را تبیین می‌کند. ملاحظه ارزش‌های ویژه نشان داد که حدود ۵ عامل ارزش ویژه بالاتر از ۲ دارد و عامل ششم ارزش ویژه‌ای معادل ۱/۹۷۷ که به ۲ نزدیک است. در زمینه انتخاب عامل‌های نهایی علاوه بر ملاک ارزش ویژه به آزمون نمودار شیب‌دار هم توجه شد. در حقیقت منحنی یا تفاوت‌های ارزش‌های ویژه است که نقطه عطف نمودار شیب‌دار را تعریف می‌کند. یا همان نقطه‌ای که در آن شکل منحنی افقی

می شود (هومن، ۱۳۸۰). در نمودار ۱ خط شیب‌دار که ارزش ویژه هر عامل را نشان می‌دهد.



نمودار ۱- نمودار شیب‌دار براساس ارزش ویژه و تعداد مؤلفه‌ها

به هر حال ملاحظه نمودار شیب‌دار نشان داد که نقطه عطف نمودار را می‌توان از عامل ششم به بعد تعیین کرد. از طرف دیگر ۶ عامل بر روی هم حدود ۴۲ درصد واریانس مقیاس را تبیین میکند. پس با توجه به زمینه‌های نظری مقیاس که بر اساس آن دارای ۶ مؤلفه نظری است و نتایج حاصل از تحلیل عوامل اولیه تصمیم بر آن شد که تحلیل عوامل بعدی بر مبنای ۶ عامل و چرخش ناهمبسته یا «متعامد» صورت پذیرد. در جدول بعدی نتایج اولیه تحلیل عوامل باروش مؤلفه‌های اصلی ارائه شده است.

جدول ۳- مشخصه‌های آماری اولیه (قبل از چرخش) پرسشنامه شامل ارزش ویژه و درصد واریانس تبیین شده

مؤلفه‌ها	ارزش ویژه	درصد واریانس تبیین شده	درصد تجمعی واریانس تبدیل شده
۱	۱۵/۸۸	۲۱/۱۸	۲۱/۱۸
۲	۵/۱۲	۶/۸۳	۲۸/۰۲
۳	۳/۸۸	۵/۱۸	۳۳/۲۰
۴	۲/۲۹	۳/۰۵	۳۶/۲۵
۵	۲/۱۶	۲/۸۸	۳۹/۱۳
۶	۱/۹۷	۲/۶۳	۴۱/۷۷

همانطور که ملاحظه جدول ۳ نشان می‌دهد در میان عامل‌ها، عامل اول با ارزش ویژه ۱۵/۸۸ بیشترین درصد واریانس تبیین شده را به خود اختصاص می‌دهد (۲۱/۱۸ درصد). در مجموع ۶ عامل موجود ۴۱/۷۷ واریانس آزمون را تبیین می‌کنند که نسبتاً درصد قابل توجهی است. در جدول ۴ مشخصه‌های نهایی آماری تحلیل عوامل ارائه می‌شود.

جدول ۴- مشخصه‌های نهایی آماری بر پایه پردازش ۶ عامل (چرخش، روش واریماکس) با ارزش ویژه بالاتر از ۲

عوامل	ارزش ویژه	تبیین شده درصد واریانس	درصد تجمعی واریانس تبدیل شده
۱	۸/۳۸	۱۱/۱۸	۱۱/۱۸
۲	۷/۲۶	۹/۶۸	۲۰/۸۷
۳	۴/۷۷	۶/۳۶	۲۷/۲۳
۴	۴/۴۳	۵/۹۰	۳۳/۱۴
۵	۳/۹۰	۵/۲۰	۳۸/۳۴
۶	۲/۵۶	۳/۴۲	۴۱/۷۷

ملاحظه جدول پس از چرخش واریماکس بیانگر آن است که ارزش ویژه عامل اول برابر با ۸/۳۸ و بنابراین عامل عمده در تحلیل عوامل محسوب می‌شود. در مجموع ۶ عامل ۴۱/۷۷ درصد واریانس موجود را تبیین می‌کنند. در ادامه برای مشخص شدن این موضوع که از ۶ عامل بدست آمده، هر کدام از چه ماده‌هایی تشکیل شده‌اند، ماتریس عاملی، عامل‌های چرخش یافته مجموعه ۷۵ ماده به شیوه واریماکس در جدول ۵ گزارش شده است.

در جدول ۵ سطر اول سؤال اختصاص یافته به عامل مورد نظر و سطر دوم بار عاملی سؤال در همان عامل را نشان می‌دهد. همانطور که در این جدول مشاهده می‌شود عامل اول از ۱۹ ماده، عامل دوم از ۱۵ ماده، عامل سوم از ۱۰ ماده، عامل چهارم از ۱۵ ماده، عامل پنجم از ۱۱ ماده، و عامل ششم از ۵ ماده تشکیل شده است. در نهایت با توجه ماده‌هایی که تحت هر عامل قرار گرفته است، ۶ عامل بدین شرح گزارش می‌شود:

عامل اول از ۱۹ ماده با دامنه بار عاملی بین ۰/۳۷ الی ۰/۷۳ تشکیل شده است. با توجه به ماهیت سؤال‌های تشکیل دهنده عامل اول، این عامل را می‌توان با عنوان «معنایابی در زندگی» نام گذاری کرد. عامل دوم از ۱۵ ماده با دامنه بار عاملی بین ۰/۳۲ الی ۰/۶۷ تشکیل شد. با توجه به سؤال‌های مربوط می‌توان عامل دوم را به عنوان «تأثیر ارتباط با خدا در زندگی» نام گذاری کرد. عامل سوم از ۱۰ ماده با بار عاملی ۰/۴۰ الی ۰/۷۰ تشکیل شد. با توجه به سؤال‌هایی که در زیر

جدول ۵- ماتریس عامل‌های چرخش یافته به شیوه واریماکس (سؤالات و بار عاملی آنها در هر عامل)*

عامل‌ها						۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱	۲	۳	۴	۵	۶						
۱						۸۸	۷۳	۴۱	۳۰	۳	۰/۴۰
۲	۰/۶۰					۰/۴۹	۰/۵۵	۰/۴۵	۰/۴۹	۰/۴۹	۰/۴۰
۳	۰/۷۲	۰/۳۲				۰/۶۴	۰/۵۷	۰/۲۷	۰/۷۰	۰/۳۲	۰/۶۴
۴	۰/۵۳	۰/۴۹	۰/۳۴			۰/۵۰	۰/۴۹	۰/۳۴	۰/۶۳	۰/۴۹	۰/۵۰
۵	۰/۳۷	۰/۶۵	۰/۶۱			۰/۷۲	۰/۶۴	۰/۳۶	۰/۶۱	۰/۶۵	۰/۷۲
۶	۰/۶۳	۰/۶۲	۰/۶۲			۰/۶۰	۰/۵۳	۰/۳۷	۰/۶۲	۰/۶۲	۰/۶۰
۷	۰/۷۳	۰/۶۷	۰/۵۶				۰/۵۱	۰/۴۶	۰/۵۶	۰/۶۷	
۸	۰/۷۲	۰/۶۴	۰/۴۸				۰/۶۴	۰/۵۸	۰/۴۸	۰/۶۴	
۹	۰/۶۹	۰/۴۸	۰/۴۴				۰/۶۲	۰/۵۸	۰/۴۴	۰/۴۸	
۱۰	۰/۵۷	۰/۶۴	۰/۴۰				۰/۶۱	۰/۵۵	۰/۴۰	۰/۶۴	
۱۱	۰/۶۸	۰/۶۵	۰/۴۱				۰/۳۵	۰/۵۷	۰/۴۱	۰/۶۵	
۱۲	۰/۵۲	۰/۶۳					۰/۴۰	۰/۵۲		۰/۶۳	
۱۳	۰/۶۶	۰/۶۳						۰/۴۳		۰/۶۳	
۱۴	۰/۸۲	۰/۶۴					۰/۷۰	۰/۵۲		۰/۶۴	
۱۵	۰/۸۳	۰/۶۷						۰/۴۷		۰/۶۷	
۱۶	۰/۸۴	۰/۵۷						۰/۵۶		۰/۵۷	
۱۷	۰/۵۷										
۱۸	۰/۴۶										
۱۹	۰/۴۹										
۲۰	۰/۶۹										
۲۱	۰/۵۷										
۲۲	۰/۶۹										

ماده‌ها و ضرایب

عامل سوم قرار می‌گیرند می‌توان آن را به عنوان «شکوفایی و فعالیت معنوی» نام‌گذاری کرد. عامل چهارم از ۱۵ ماده با بار عاملی ۰/۲۷ الی ۰/۵۸ تشکیل شد. با توجه به ۱۵ سؤال تشکیل دهنده عامل چهارم می‌توان آن را به عنوان «تجربیات متعالی عرفانی» نام‌گذاری کرد. عامل پنجم از ۱۱ ماده با بار عاملی ۰/۳۵ الی ۰/۶۴ تشکیل شد. با توجه به ماهیت ۱۱ سؤال تشکیل دهنده عامل پنجم می‌توان آن را به عنوان «تجربیات سلبی» نام‌گذاری کرد. عامل ششم (فعالیت‌های اجتماعی و مذهبی) از ۵ ماده با دامنه بار عاملی ۰/۴۰ الی ۰/۷۲ تشکیل شد. با توجه به ماهیت سؤال‌هایی که در زیر عامل ۶ قرار می‌گیرد، می‌توان آن را به عنوان «فعالیت‌های اجتماعی و مذهبی» نام‌گذاری کرد. در ادامه ماتریس همبستگی ۶ عامل بدست آمده و نمره کل مقیاس ۷۵ ماده‌ای در جدول ۶ گزارش می‌شود.

جدول ۶- ماتریس همبستگی ۶ عامل و نمره کل مقیاس تجربیات معنوی

مؤلفه‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱- معنایابی در زندگی	-						
۲- تأثیر ارتباط با خدا	۰/۵۷**	-					
۳- شکوفایی و فعالیت معنوی	۰/۴۱**	۰/۷۱**	-				
۴- تجربیات عرفانی	۰/۲۸**	۰/۴۳**	۰/۵۰**	-			
۵- تجربیات سلبی	۰/۲۹**	۰/۳۰**	۰/۲۷**	۰/۴۴**	-		
۶- فعالیت اجتماعی و مذهبی	۰/۲۳**	۰/۲۵**	۰/۳۵**	۰/۳۱**	۰/۲۳**	-	
۷- نمره کل مقیاس	۰/۷۹**	۰/۸۶**	۰/۷۷**	۰/۶۷**	۰/۵۵**	۰/۴۳**	
میانگین	۷۶/۵	۶۷/۹	۳۲/۱	۴۵/۷	۳۷/۶	۱۷/۶	۲۷۸/۲
انحراف معیار	۱۷/۱	۱۲/۷	۹/۴	۹/۳	۷/۳	۳/۲	۴۳/۱

** p < ۰/۰۱

همانطور که ماتریس همبستگی ۶ عامل و نمره کل مقیاس نشان می‌دهد، همبستگی نمره کل مقیاس با هر ۶ عامل در سطح (p < ۰/۰۱) معنادار است. در عین حال بیشترین ضرایب همبستگی بین نمره کل مقیاس با عوامل اول، دوم و سوم به ترتیب با ضرایب ۰/۷۹، ۰/۸۶، ۰/۷۷ می‌باشد. در میان همبستگی بین عوامل، عامل اول با سایر عوامل بیشترین مقدار ضرایب را نشان می‌دهد که در دامنه ۰/۲۳ الی ۰/۵۷ قرار دارد و همگی در سطح (p < ۰/۰۱) معنادار می‌باشند. کمترین ضرایب همبستگی بین عامل ششم با سایر عوامل مشاهده می‌شود.

● بحث و نتیجه‌گیری

بررسی ماتریس همبستگی مؤلفه‌های شش‌گانه با کل مقیاس نشان داد که مؤلفه «باورها و

نگرش‌های افراد» با همبستگی ۰/۹۲ دارای بالاترین مقدار همبستگی و مؤلفه «فعالیت‌های اجتماعی - مذهبی» با مقدار ۰/۴۵، پایین‌ترین مقدار همبستگی با کل آزمون را داشتند. همبستگی بقیه مؤلفه‌ها بین این دو مقدار در نوسان است. این ضرایب همبستگی در سطح (p < ۰/۰۱) معنادار بودند. بررسی اولیه مؤلفه‌ها و سؤالات آزمون تجربیات معنوی نشان می‌دهد که آزمون مورد نظر از اعتبار مقدماتی بالایی برخوردار است. سپس تحلیل توان تمیز بر روی ۱۰۲ ماده آزمون اجرا شد و بر اساس نتایج حدود ۲۷ ماده نامناسب تشخیص داده شد و حذف گردید. برای برآورد روایی سازه آزمون مورد نظر، تحلیل عاملی از نوع اکتشافی بر روی ۷۵ ماده باقیمانده آزمون صورت گرفت. در بررسی اولیه ۱۹ عامل در این آزمون نشان داده شدند که پس از چرخش، و با در نظر گرفتن نمودار خط شیب دار و ارزش ویژه بالاتر از ۲ تعداد ۶ عامل برجسته و مهم پیدا شدند که در حدود ۴۲ درصد از واریانس کل آزمون را به خود اختصاص می‌دادند.

همانطور که از جدول ۵ بر می‌آید عامل اول، «معنایابی در زندگی» از ۱۹ سؤال تشکیل شده است که بار عاملی سؤالات آن بین ۰/۳۷ الی ۰/۷۳ در نوسان است. این عامل دربرگیرنده «درک معنای زندگی»، «تجربه مثبت در زندگی»، «احساس خوشبختی» و «رضایت از زندگی و معنای زندگی» است. در این عامل مجموعه‌ای از سؤال‌ها که احساس فرد را در باره زندگی کنونی خود توصیف می‌کند مانند «امیدوار بودن»، «کامروایی»، «شور و هیجان» یا حتی «حضور پوچی»، «گناه»، «ترس» و «اضطراب» آمده است. عامل دوم، «تأثیر ارتباط با خدا» از ۱۵ ماده تشکیل شده است که بار عاملی مواد آن از ۰/۳۳ الی ۰/۶۷ در نوسان است. این عامل دربرگیرنده «رابطه انسان با خدا» مانند «عبادت»، «راز و نیاز»، «رابطه صمیمانه و دوستی با خدا»، «توجه خدا به فرد» و «احساس مثبت از رابطه داشتن با خداست» عامل سوم، «شکوفایی و فعالیت معنوی» از ۱۰ ماده تشکیل شده است و بار عاملی ماده‌های آن از ۰/۴۰ تا ۰/۷۰ می‌باشد. سؤال‌های این عامل بیانگر شکوفایی روحانی و معنوی، شکوفایی مذهبی و حرکت فرد در جهت گسترش و شکوفا کردن استعدادها معنوی است. در این عامل ماده‌هایی وجود دارد که تلاش‌های فرد برای دستیابی به معنویت را شامل می‌شود مانند مطالعه قرآن و کتاب‌های مذهبی، دعا و نیایش در خلوت. عامل چهارم، «تجربیات متعالی عرفانی» از ۱۵ ماده تشکیل شده که بار عاملی سؤالات آن بین ۰/۲۷ الی ۰/۵۸ می‌باشند. سؤالات این عامل، نشان‌دهنده تجارب متعالی مانند توحید یافتگی در کل، تجربه حقیقت و کمال مطلق، و تجربه حیرت، و انکشاف حقیقت مطلق برای فرد، یگانگی با هستی، و رویارویی با امر قدسی است. عامل پنجم، «تجربیات سلبی» از ۱۱ ماده با بار عاملی ۰/۳۵ تا ۰/۶۴ تشکیل

شده است. سؤال‌های این عامل بیانگر عدم تجارب عرفانی و معنوی است، مانند هرگز تجربه جذب، احساس یکپارچگی با هستی و کل مطلق نداشتن. عامل ششم، «فعالیت‌های اجتماعی و مذهبی» از ۵ ماده با دامنه بار عاملی $0/40$ الی $0/72$ تشکیل شده است. سؤالات این عامل، معرف شرکت فرد در فعالیتهای اجتماعی و مذهبی، کمک به مساجد و مؤسسات مذهبی، کمک به مردم نیازمند، و برطرف کردن نیازهای سالخوردگان و معلولان است.

پس از شکل‌گیری این ۶ عامل، ضرایب همبستگی عامل‌ها با یکدیگر، و با نمره کل مقیاس محاسبه شد. نتایج نشان داد که بیشترین همبستگی بین نمره کل مقیاس به ترتیب با مؤلفه دوم «تأثیر ارتباط با خدا» ($r=0/86$) مؤلفه اول «معنایابی در زندگی» ($r=0/79$) مؤلفه سوم «شکوفایی و فعالیت معنوی» ($r=0/77$) و مؤلفه چهارم «تجربیات عرفانی» ($r=0/67$) وجود دارد که همگی در سطح خطای کمتر از $0/01$ معنادار می‌باشند.

کس و همکارانش (۱۹۹۱) آزمون «شاخص هسته‌ای تجربیات معنوی» را با ۱۱ سؤال ساختند. سه عامل با چرخش واریانس کس در این آزمون بدست آمدند که عبارت بودند از عامل اول که دربرگیرنده مواد ۱ الی ۷ بود (بارزش ویژه $4/58$ که سهم عمده واریانس را به خود اختصاص می‌داد). گزاره‌های ۹ و ۱۰ با ارزش ویژه $1/96$ و گزاره‌های ۸ و ۱۱ با ارزش ویژه $1/29$ در این آزمون خود را نشان دادند. با توجه به اینکه سؤالات ۸ و ۱۱، و علاوه بر این سؤالات ۹ و ۱۰ به علت کم بودن سؤالات نتوانستند عامل جداگانه‌ای را تشکیل دهند، لذا تحلیل دوباره بر روی همین عامل اول (سؤالات ۱ الی ۷) صورت گرفت در نتیجه سؤالات ۳، ۵ و ۷ تجربیاتی را که منجر به اعتقاد و باور به خدا می‌شوند، اندازه می‌گیرند. سؤالات ۱، ۲، ۴ و ۶ دربرگیرنده رفتارها و نگرش‌ها هستند که «تجربه ارتباط نزدیکی با خدا» را بیان می‌دارند. هرچند که این مقیاس با مقیاس تهیه شده توسط پژوهشگران از لحاظ محتوا و تعداد عامل‌های استخراج شده تفاوتی دارد، شباهتهایی نیز بین این دو مقیاس وجود دارد. به عنوان مثال، درک تجربیات قدسی و تجربیات عمیق وجودی و یا همان تجربیات متعالی و عرفانی که در مقیاس پژوهشگران حاضر استخراج شده‌اند، شباهتهای زیادی از لحاظ محتوا و سؤالات مورد نظر به مؤلفه‌های «اعتقاد و باور به خدا» و «تجربه نزدیکی و قربت به خدا» که از مقیاس کس و همکاران (۱۹۹۱)، بدست آمده‌اند، دارد. البته مقیاس تهیه شده حاضر چون ۱۳ عامل مهم معنویت را اندازه می‌گیرد، نسبت به این شاخص هسته‌ای تجربیات معنوی رجحان دارد، و بسیاری از حیطه‌هایی را که در این مقیاس وجود ندارند اندازه‌گیری می‌نماید.

مقیاس دیگری که توسط مک شری و همکاران (۲۰۰۲)، تهیه شده است، دربرگیرنده «بُعد

امیدواری»، «معنایابی در زندگی»، «توانمندی گذشت از خطای دیگران»، «باورها و ارزش‌های اخلاقی»، «مراقبت‌های معنوی»، «داشتن روابط حسنه با دیگران»، «باور به خدا»، «اخلاقی بودن»، «اخلاقیت» و «اظهار وجود» می‌باشد. همانطور که در این مقیاس نیز ملاحظه می‌شود، اکثر ابعاد کشف شده در این مقیاس با عوامل بدست آمده از «مقیاس تجربیات معنوی» پژوهشگران حاضر هماهنگی دارد. به عنوان مثال، معنایابی در زندگی، باور به خدا، داشتن روابط حسنه با دیگران، با ابعاد احساس معنا و شکوفایی در زندگی، فعالیت‌های اجتماعی و مذهبی که در مقیاس تجربیات معنوی توسط پژوهشگران حاضر بدست آمده‌اند، هماهنگی دارند؛ با این تفاوت که در مقیاس حاضر، ابعاد بیشتری نسبت به مقیاس‌های فوق‌الذکر مورد سنجش قرار می‌گیرند.

مقیاس دیگری که در مورد باورهای معنوی است و توسط هاچ و همکاران (۱۹۹۸)، ساخته شده است، دربرگیرنده دیدگاه‌های مسیحیت، یهودیت، اسلام و هندوئیسم می‌باشد. این مقیاس، چهار خرده مقیاس دارد و خرده مقیاس اول آن شامل «مراسم عبادی بیرونی» می‌باشد که ۱۳ ماده دارد و بیانگر شرکت در فعالیت‌های معنوی و نقش این فعالیت‌ها در رشد بُعد معنوی فرد است. خرده مقیاس دوم، شامل ۱۱ ماده و دربرگیرنده «سیالی درونی» است. به عبارت دیگر، این خرده مقیاس، منعکس‌کننده «رشد و باورهای درونی» است. خرده مقیاس سوم، شامل ۷ ماده و بیانگر «مراقبه» و «هستی‌نگری» است و نقش مراقبه را در معنویت درونی، مورد بررسی قرار می‌دهد. خرده مقیاس چهارم، دارای ۴ ماده می‌باشد و نشانگر تواضع و فروتنی است. این خرده مقیاس، تواضع و فروتنی و نقش آن را در زندگی فردی مورد بررسی قرار می‌دهد. این مقیاس، ضریب آلفای متفاوتی برای خرده مقیاس‌های چهارگانه دارد که ضریب آلفای خرده مقیاس اول این مقیاس برابر ۰/۹۸، خرده مقیاس دوم برابر ۰/۷۴، خرده مقیاس سوم ۰/۷۰ و خرده مقیاس چهارم ۰/۵۱ است. از بین خرده مقیاس‌های این مقیاس، خرده مقیاس اول که مربوط به مراسم عبادی بیرونی است، بیشترین شباهت را با مؤلفه‌های «تأثیر ارتباط با خدا در زندگی و فعالیت‌های مذهبی» دارد و خرده مقیاس دوم نیز تا حدی با خرده مقیاس‌های نشان داده شده در مقیاس پژوهشگران هماهنگی نشان می‌دهد. البته دو خرده مقیاس دیگر، متفاوت از عواملی هستند که پژوهشگران در «مقیاس تجربیات معنوی» بدست آورده‌اند. در نهایت با توجه به تلاش‌های انجام شده می‌توان مقیاس تجربیات معنوی ۷۵ ماده‌ای را به عنوان یک مقیاس مناسب برای پژوهش‌های بعدی در زمینه تجربیات مذهبی و معنوی پیشنهاد کرد.

نمونه‌ای از ماده‌های مقیاس ۷۵ ماده‌ای تجربیات معنوی به تفکیک ۶ مؤلفه*

- احساس می‌کنم زندگی یک تجربه مثبتی است. (مؤلفه ۱)
- احساس امیدوارکننده‌ای در زندگی حال حاضر دارم. (مؤلفه ۱)
- اعتقاد دارم که خداوند علاقه چندانی به زندگی روزانه من ندارد. (مؤلفه ۱)
- درباره آینده خود احساس خوشایندی دارم. (مؤلفه ۱)
- من شخصاً رابطه بسیار صمیمی و معنی دار با خدا دارم. (مؤلفه ۲)
- ایمان دارم که خداوند درباره مسائل و مشکلات من حساس است. (مؤلفه ۲)
- زمانی احساس تحقق و شکوفایی می‌کنم که در ارتباط نزدیک با خدا باشم. (مؤلفه ۲)
- بر این باورم که اهدافی واقعی برای زندگی ام وجود دارد. (مؤلفه ۲)
- دوستانم باور دارند که من به سوی شکوفایی مذهبی پیش می‌روم. (مؤلفه ۳)
- اعضای خانواده و خویشاوندان من معتقدند که من به سوی شکوفایی معنوی پیش می‌روم. (مؤلفه ۳)
- آداب و مراسم مذهبی موجب بهبود بهداشت و سلامت روانی من شده‌اند. (مؤلفه ۳)
- در مقایسه با ۱۰ سال قبل رشد معنوی من تغییر کرده است. (مؤلفه ۳)
- تجربه‌ای داشته‌ام که متوجه شدم حقیقت مطلق برایم مکشوف شده است. (مؤلفه ۴)
- تجربه‌ای داشتم که احساس کردم همه چیز در آن وقت برایم کمال مطلق بوده است. (مؤلفه ۴)
- تجربه‌ای داشتم که احساس کردم هر چیز در جهان پاره‌ای از همان کل بوده است. (مؤلفه ۴)
- تجربه‌ای در زندگی داشتم که مرا دچار بهت و حیرت کرده است. (مؤلفه ۴)
- هرگز تجربه‌ای نداشتم که احساس کنم تمام هستی زنده است و اشیاء در هستی جان دارند. (مؤلفه ۵)
- هرگز تجربه‌ای که احساس کنم که ابعاد عمیقی از حقیقت برایم کشف شده، نداشته‌ام. (مؤلفه ۵)
- هرگز تجربه‌ای نداشتم که احساس کنم با یک امر قدسی مواجه شده‌ام. (مؤلفه ۵)
- هرگز با تجربه‌ای مواجه نشده‌ام که احساس کنم تمام اشیاء در هستی شعور دارند. (مؤلفه ۵)
- به امور خیریه کمک کرده‌ام (طی یک سال گذشته). (مؤلفه ۶)
- در کمک به مردم نیازمند کوشا بوده‌ام (طی یک سال گذشته). (مؤلفه ۶)
- به افراد معلول و یا سالخورده‌گانی که جزء افراد خانواده و یا نزدیکان بوده‌اند، کمک کرده‌ام. (مؤلفه ۶)
- در کمک به مساجد و مؤسسات مذهبی شرکت کرده‌ام (طی یک سال گذشته). (مؤلفه ۶)

* پژوهشگران علاقه‌مند به استفاده از مقیاس کامل با مؤلف اول مقاله تماس بگیرند.

یادداشت‌ها

- | | |
|---------------------------------------|---------------------|
| 1- Spirituality | 2- Discovery |
| 3- Justification | 4- Nominous feeling |
| 5- Irrational aspect | 6- Reliability |
| 7- Validity | 8- Varimax |
| 9- Index of Core Spiritual Experience | |

منابع

- قرآن مجید با ترجمه و تفسیر فارسی و کشف الآیات (۱۳۷۲). ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای. تهران: انتشارات مروی.
- ابن عربی، محمد بن علی (۱۳۶۶). فصوص الحکم، تصحیح ابوالعلاء عفیفی، چاپ اول. تهران: انتشارات الزهراء.
- پارسا، خواجه محمد (۱۳۶۶). شرح فصوص الحکم، تصحیح جلیل مسگر نژاد. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- خوارزمی، تاج الدین حسین بن حسن (۱۳۷۷). شرح فصوص الحکم، تصحیح نجیب مایل هروی؛ [چاپ دوم]. تهران: انتشارات مولی.
- شیروانی، علی (۱۳۸۱). مبانی نظری تجربه دینی، مطالعه تطبیقی و انتقادی آرای ابن عربی و رودلف اتو. بوستان کتاب قم.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۳ هـ.ق). المیزان فی تفسیر القرآن. لبنان: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- فرانکل، ویکتور (۱۳۶۶). معنی درمانی، پزشک و روح، ترجمه فرخ سیف بهزاد. تهران: نشر ویس.
- فروم، اریش (۱۳۷۰). دل آدمی و گرایشش به خیر و شر، ترجمه گیتی خوشدل. تهران: نشر نو.
- فیض کاشانی، ملا محسن (۱۰۹۱ هـ.ق). المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء. تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
- هومن، حیدر علی (۱۳۸۰). تحلیل داده‌های چند متغیری در پژوهش رفتاری. تهران: نشر پارسا.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۷۰). روانشناسی و دین. ترجمه فواد روحانی. تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- Dunkel-Schetter, C.; Fernstein, L. G.; Taylor, S. E.; & Falke, R. L. (1992). Patterns of coping with cancer. *Health Psychology*, 11,79-87.
- Frankl, V. R. (1958). The will to meaning. *Journal of Pastoral Care*, 7,82-88.
- Frankl, V. R. (1962). *Man's search for meaning: An introduction to logotherapy*. Boston: Beacon Press.
- From, E. (1970). Preface in A.R. Arasteh (Aut.). *Rumi the Persian: Rebirth in creativity and love*. Pakistan, Lahore, Shuhammad Ashraf Press.
- Hatch, R. L.; Bury, M. A.; Naberhaus, D. S.; & Hellmich, L. K. (1998) The Spiritual Involvement and Beliefs Scale: Development and testing a new instrument. *The Journal of Family Practice*, 46,476, 486.
- Hill, P. C.; & Hood, R. (1999). *Measures of religiosity*. Birmingham, Ala. Religious Education Press.

- James, W. (1902). *The varieties of religious experience*. New York: New American Library.
- Jung, C. (1933). *Modern man in search of soul*. New York: Harcourt Brace Jovanovich.
- Kass, J. D.; Friedman, R.; Leserman, J.; Zuttermeister, P.C.; & Benson, H. (1991). Health outcomes and a new index of spiritual experience (INSPIRIT). *Journal of the Scientific Study of Religion*, 30, 203-211.
- Koenig, H. G.; McCullough, M. E.; & Larson, D. B. (2001). *Handbook of religion and health*, Oxford, N. Y: Oxford University Press.
- Otto, R. (1950). *The Idea of the Holy*. [trans, John W. Harvey] New York: Oxford University Press.
- Otto, R. (1976). *Mysticism east and west*. [trans, B.L.; Bracy & B. C. Payne] McMillan Publishing.
- McSherry, W.; Draper, P.; & Kendrick, D. (2002). The constructing validity of a rating scale designed to assess spirituality and spiritual care. *International Journal of Nursing Studies*, 39, 723-734.
- Schleiermacher, F. (1996). *On religion speeches to its cultured despisers*, [trans. R. Crouter]. Cambridge: Cambridge University Press.

